بازخوانی پرونده یک باغی

موادفروشی که سرکرده باند سرقت مسلحانه شد

گروه حوادث/ مرضیه همایونی: حادثه سرقت از خودروی حمل پول بانک در یکی از خیابان‌های شمال غرب تهران، یکی از مخوف‌ترین پرونده‌های سال‌های اخیر بود که پایانی عجیب‌تر هم داشت. ساعت ۸ صبح ۹ خرداد سال ۸۶، مهندس جوانی که در دفتر محل کارش نشسته بود، با شنیدن صدای تیراندازی از خیابان پشت پنجره آمد و با صحنه هولناکی روبه‌رو شد. چهار مرد نقابدار که سه نفر از آنها مسلح بودند، مقابل خودروی حمل پول بانک صادرات شعبه زرافشان ایستاده و با تهدید سلاح، قصد سرقت پول‌ها را داشتند. مهندس جوان با دیدن این صحنه بلافاصله دوربین خود را روشن کرد و مخفیانه از صحنه سرقت مسلحانه فیلم گرفت اما ناگهان مردان مسلح به سوی مأمور خزانه‌داری و مأموران حمل پول و بانک شلیک کرده و همه را به رگبار بستند و کیسه‌هایی که حاوی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تراول چک و ۸۰ میلیون تومان پول نقد بود، سرقت کرده و متواری شدند. در این حادثه یکی از مأموران کشته و یک مأمور نیز زخمی شد. با اعلام گزارش سرقت مسلحانه، بلافاصله تیم ویژه‌ای از کارآگاهان پلیس راهی محل شدند.

سرقت‌های سریالی مخوف

سرهنگ اسماعیل محرابی، رئیس اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت که در آن زمان افسر اداره یکم پلیس آگاهی ویژه مبارزه با سرقت‌های مسلحانه و مأمور رسیدگی به این پرونده بود، با تشریح جزئیات این ماجرا به «ایران» می‌گوید: «به محض اعلام خبر سرقت وارد صحنه شدیم؛ تنها مدرکی که در دست داشتیم، فیلمی بود که همان مهندس جوان گرفته بود. گرچه آن زمان کمک زیادی به ما نکرد اما بعدها در مستندسازی و بررسی شکل و ظاهر متهمان، به ما کمک شایانی کرد. یک ماهی از این سرقت گذشته بود که خبر سرقت از خودروی حمل پول بانک ملی و بعد از آن هم سرقت از بانک سپه به پلیس اعلام شد. کارمندان و مشتری‌های بانک سپه به ما گفتند سارقان در حالی که اسلحه به دست داشتند، وارد بانک شده و به سقف شلیک کردند؛ بعد هم یک نارنجک را روی پیشخوان گذاشته و از همه خواستند روی زمین بخوابند. این اتفاق به قدری عجیب بوده که مشتری‌ها و کارمندان ابتدا فکر کردند یک فیلم سینمایی در حال فیلمبرداری است اما وقتی شلیک‌ها شروع شد، همه از ترس شوکه شده بودند. سارقان مقابل چشمان وحشت‌زده حاضران میلیون‌ها تومان پول و تراول سرقت کردند. البته اعضای این باند از یک صرافی در خیابان ولیعصر تهران سرقت کرده بودند. دو متهم با کلاه‌گیس و گریم ریش و سبیل بلوند به صرافی رفته بودند و مرد صراف تصور کرده بود آنها خارجی هستند. اما پس از باز کردن در و ورود آنها با سلاح و تهدید ۹۰ میلیون تومان با خود برده بودند. در مدت ۵ ماه، سرقت‌های متعددی از سوی این باند رخ داد که مشخص شد با یکی از مخوف‌ترین باندهای سرقت روبه‌رو هستیم که بی‌محابا شلیک می‌کردند و هیچ رحم و شفقتی در سرقت‌هایشان نداشتند.»

یافتن سرنخ

سرهنگ محرابی در ادامه می‌افزاید: «ما هیچ هویتی از متهمان نداشتیم اما چون آن زمان برای خرج کردن تراول چک‌ها باید آنها را پشت‌نویسی می‌کردند، به همین دلیل شماره تراول چک‌های سرقتی را به پلیس تمام استان‌های کشور اعلام کرده بودیم. تا اینکه چند ماه بعد، مأموران پلیس اصفهان به ما اعلام کردند یک قاچاقچی اسلحه و موادمخدر را در خانه‌اش بازداشت کردند که ۵۰ میلیون تومان تراول چک مسروقه از خانه‌اش کشف شده است. بلافاصله به تحقیق از قاچاقچی اسلحه پرداختیم و او گفت تراول‌ها را از مرد جوانی به نصف قیمت خریده‌ام. مرد جوان (که بعداً متوجه شدیم حجت، یکی از اعضای باند و شوهرخواهر صلاح‌الدین سرکرده باند بوده است) برای او اسلحه از مرزهای غربی کشور می‌آورد و این مسأله باعث آشنایی آنها شده بود. حجت گفته بود تعدادی تراول چک سرقتی دارد و متهم بازداشتی ما هم آنها را به نصف قیمت خریده و قول داده بود تراول چک‌ها را در کشورهای همسایه خرج کند تا گیر نیفتند اما با دستگیری متهم، وی گفت که هیچ نشانی از حجت ندارد چراکه همیشه او به سراغش می‌آمده فقط یکبار که برای تحویل گرفتن تراول چک‌ها به تهران رفته بود، حجت سوار بر یک خودروی آژانس به محل قرار رفته و ظاهراً راننده با او آشنا بوده است. وقتی او نام راننده را گفت، ما برای شناسایی‌اش وارد عمل شدیم اما در واقع داشتیم به دنبال یک سوزن در انبار کاه می‌گشتیم. ولی از آنجا که جوینده یابنده است، موفق شدیم دفتر آژانس را پیدا کنیم و خانه حجت را نیز شناسایی کردیم. خانه را زیر نظر گرفتیم، اما انگار خانه خالی بود تا اینکه ساعت ۴ صبح با یک روشن و خاموش شدن چراغ‌ها ما عملیات را آغاز کردیم و موفق شدیم حجت را دستگیر کنیم. او گفت که با اطلاع از خبر دستگیری مرد قاچاقچی قصد تعویض خانه‌اش را داشته و آن زمان هم برای بردن باقی‌مانده وسایل خانه‌اش رفته بود که دستگیر شد. یعنی اگر ما یک روز دیرتر به سراغش می‌رفتیم، دیگر دستمان به آنها نمی‌رسید. در تحقیق از متهم هم متوجه شدیم که هویت سردسته باند، مردی به نام صلاح‌الدین است.

دستگیری سردسته باند

با دستگیری حجت، مخفیگاه صلاح‌الدین نیز در حوالی شهرک نفت تهران شناسایی شد. می‌دانستیم که او مهارت زیادی در تیراندازی دارد و مسلح است و احتمال درگیری مسلحانه را دادیم. زمانی که وارد آپارتمان صلاح‌الدین شدیم، همسرش تنها بود اما با دیدن ما شروع به سر و صدا کرد. همکارم گفت: بی شک صلاح‌الدین در همین نزدیکی است و همسرش می‌خواهد با سر و صدا، او را متوجه کند و فراری دهد. بنابراین دو نفر از همکارانم با این احتمال که صلاح‌الدین به پشت بام رفته، به آنجا رفتند و او را بدون شلیک حتی یک تیر بازداشت کردند. در حالی که داخل خانه‌اش پر بود از تجهیزات نظامی. بعد از او، محسن، دوست و همدست دیگرش را بازداشت کردیم و درنهایت به ۶ فقره سرقت در کرج و تهران اعتراف کردند.

صلاح‌الدین در اعترافاتش گفت که در کار خرید و فروش مواد مخدر هم بوده اما آن زمان وقتی لو رفته و مأموران پلیس برای دستگیری‌اش رفته بودند، با شلیک گلوله به مأمور پلیس او را قطع نخاع کرده بود. بعد همراه دوستش محسن راهی تهران شده و سرقت‌های سریالی‌شان را شروع کردند. او مدعی شد وقتی به تهران آمده، ابتدا در یک عکاسی مشغول به‌کار شده و بعد هم آموزش جعل اسناد دیده و شناسنامه‌های جعلی درست می‌کرده و چک‌های سرقتی را با آنها نقد می‌کرده است.»

سرهنگ محرابی افزود: «صلاح‌الدین انگار خلاف و جرم در خونش بود؛ برایم تعریف می‌کرد که پدرش نیز سارق مسلح بوده و در سال ۶۰ از بانک سرقت مسلحانه کرده و درنهایت نیز در ملأعام اعدام شده بود. آدم عجیبی بود؛ می‌گفت با پولی که از سرقت بانک به جیب زده بود، حدود ۲۰ سال قبل به کیش سفر کرده و فقط در یک روز ۱۰ میلیون تومان هزینه میز غذای او و دوستانش شده بود.

صلاح‌الدین می‌گفت یک ماه و نیم وقت صرف کردیم تا بتوانیم از خودروی حمل پول سرقت کنیم. خودروهای حمل پول را تعقیب می‌کردیم، روبه‌روی بانک‌ها با لباس‌های اتوکشیده و مارک‌دار می‌نشستیم و ساعت رفت و آمد خودروها را بررسی می‌کردیم. کم کم فهمیدیم که این خودروها از خزانه‌ها پول‌ها را انتقال می‌دهند. یکی از خزانه‌ها را پیدا کردیم و فهمیدیم که چه زمانی از خزانه‌ها راه می‌افتند و کجاها می‌روند. در کنار اینها، فیلم‌های هالیوودی زیادی می‌دیدیم.

زمانی که صلاح‌الدین بازداشت شد، داخل خانه‌اش چمدانی پیدا کردیم که پر از فیلم‌های هالیوودی و اکشن بود. فیلم‌هایی که سرقت‌هایشان را از آنها الگوبرداری کرده بودند. می‌گفت ما از روی فیلم‌ها یاد گرفتیم چگونه سرقت کنیم و اگر دستگیر شدیم، چه بگوییم.

خانه ای که متهم در آن کشته شد

فرار از بیمارستان

صلاح‌الدین زمانی که در اداره آگاهی تحت بازجویی بود، به شوخی به ما می‌گفت چون شما با من خوب رفتار کردید از دست شما فرار نمی‌کنم اما اگر به زندان بروم، حتماً فرار می‌کنم.

او اخر سال ۸۶ پرونده صلاح‌الدین تکمیل شد و باتوجه به اینکه احتمال فرار او را می‌دادیم به زندان این موضوع را اعلام کردیم.

با اینکه کیفرخواست پرونده‌اش با اتهام محارب و قصاص صادر شده و در دادگاه نیز به اعدام محکوم شد اما تا سال ۸۹ در زندان مانده بود تا اینکه از زندان به ما اعلام کردند صلاح‌الدین فرار کرده است. ماجرا از این قرار بود که صلاح‌الدین در زندان خود را به بیماری زده و درنهایت طوری وانمود کرده بود که برای درمان باید به بیمارستان منتقل شود. از طرفی با یکی از هم‌سلولی‌های خود که آزاد شده بود، هماهنگ کرده که به او در فرار کمک کند و چند میلیارد بگیرد. روزی که صلاح‌الدین به همراه مأمور بدرقه زندان وارد بیمارستان شده بود، چند لحظه بعد سه مرد مسلح وارد شده و با تهدید صلاح‌الدین را روی دوش انداخته و فرار کردند. بین راه هم چندین مورد سرقت خودرو انجام داده تا خود را به کرمانشاه می‌رسانند.»

رئیس اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت می‌گوید: «۱۰ روز بعد از این فرار، بانکی در کرمانشاه مورد سرقت قرار گرفت و ۴ نفر هم در جریان این سرقت کشته شدند. همان موقع با شنیدن این خبر گفتم کار صلاح‌الدین است. ما وارد عمل شدیم و در عملیاتی که با پلیس کرمانشاه داشتیم، مخفیگاهش را شناسایی کردیم و درنهایت هم پلیس کرمانشاه آنجا را به محاصره درآورد و همدستان صلاح‌الدین تسلیم شدند اما خودش در این درگیری جانش را از دست داد. خبر کشته شدن صلاح‌الدین سال ۹۰ مثل بمب همه جا صدا کرد و فیلم این عملیات تا مدت‌ها در فضای مجازی دست به دست می‌شد.»

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۳۴**

جدول عادی

افقی

۱ - سهو و خطا - سوغات شهر «سردرود»
۲ - ساکنان - افسرده در گویش بیگانه - از خلفای اموی
۳ - نوعی آب‌وهوا - هراسان - از جزایر دریاچه ارومیه
۴ - دم و بازدم - ابریشم کم‌بها - زشت، ناپسند - مقیاس
۵ - مادر محلی - زمزمه کننده - گرفتگی زبان
۶ - بازماندگان - مقابل «گشاده» - صدای خالی شدن باد تیو ب
۷ - حقه - معالجه - پوست درخت‌خرما
۸ - سراینده «شاهنامه»
۹ - ادیب آلمانی - نبرد و مبارزه - سلسله اول اعداد
۱۰ - نفس خسته - مزدبگیر - سقز امروزی
۱۱ - روزگارها - بارز - سرگشته
۱۲ - نام فراموش نشدنی - دریاچه طبیعی و آب شیرین اردبیل - مختصر شاد - وام
۱۳ - از مشتقات شیر - شاعر اصفهانی - پسر محبوب
۱۴ - گنج و زیرخاکی - سیاحت، گشت - سرباز نیروی دریایی
۱۵ - بخشی از ادارات - گیاهی طبی

عمودی

۱ - اثر نظامی - موکت
۲ - ویژگی غنچه باز شده - ماه وسط پاییز - نوعی پرتقال
۳ - ورزش نادال - بیرون - شرکت داروسازی معروف
۴ - خارج قسمت - کاغذ ضخیم - ویتامین کیوی - پارچ آبخوری
۵ - لقب خداوند منان - شهر استان اصفهان - جنبانیدن
۶ - از اجزای ویدئو - پارچه طلایی - محله‌ای در اسلامشهر
۷ - کلمه رم کردن حیوانات - مشهور - اتاق راه‌آهن
۸ - انبوهی، انباشتگی - خوردنی پس از غذا - مزیت
۹ - دربند - صبح زود ادبی - تنیس بین‌المللی
۱۰ - فلسفه‌دان - دندان آذری - محکم کردن
۱۱ - تکیه دادن - ده هزار متر مربع - به پارچه و لباس می‌زنند تا اتوگیر شود
۱۲ - پشت و عقب - آخرین یک‌رقمی - کار سرسری - ضمیر عر بی
۱۳ - اورژانس - فانتزی - سنجش
۱۴ - گیاهی دارویی - فدراسیون قایقرانی - خاموش کردن فتنه
۱۵ - گوش دهنده - وسیله نقلیه در آسمان

جدول ویژه

افقی

۱ - کاغذ معروف اسید - پانتومتر
۲ - ماه رومی - رسیدن - شفاف و شیشه‌ای
۳ - غذا یا هر چیز دیگر را زیر دندان له کردن - پرچم - سرشت
۴ - درخت جنگلی - پاروی قایقران - خشک و سفت - پایتخت برنج ایران
۵ - نت ششم - از مرکبات - مجلسی در «تایوان»
۶ - ساکن - درختچه‌ای زیبا و پر از شگفتی - داغ کردن
۷ - سخن گفتن - یار «لورل» - فیلم آرش معیریان
۸ - یک بیماری سیستمیک و مزمن که شیوع آن در جهان حدود یک درصد است
۹ - چارچوب قالی بافی - ماده‌ای معطر - هر چیز آویخته
۱۰ - تاقچه بالایی - مقطع زمانی - مهم‌ترین نیاز برای یک اپراتور که در معرض مواد خطرناک است
۱۱ - وسیله - بصیرت - کله
۱۲ - کلمه شرط - نوعی از صندوق آهنی - گزیده چیزی - متحیر
۱۳ - ورزش شبه‌قاره هند - ویران کننده - در مرتبه دوم
۱۴ - از بین رفته - حلقه آویزان از زین - خمره‌ای از گل نپخته
۱۵ - جاذبه‌ای در «سی سخت» - روستایی در بخش «لشت‌نشا» رشت

عمودی

۱ - اثر احمد بن علی بیهقی - یک‌دوازدهم فوت
۲ - سازی زهی و آرشه‌ای - پُرچانه - رنگ نقاشی
۳ - حکومت آلمان نازی - بی‌دنبال - اثر باستانی کرمان
۴ - نوعی بازی - سرنوشته - چاره - واژه درد یا شگفتی
۵ - جمع نفس - دوستان - لبه شمشیر
۶ - افشاگری - وجود دارد - مگس ناقل بیماری
۷ - عددی با دو صفر - مخطط - شرکتی هواپیمایی
۸ - شهر «سوئیس» - فور خشک کننده در آزمایشگاه - مخفیانه خودمانی
۹ - از جوخه‌های ویژه «روسیه» - شهر «قلعه استوناوند» - من و شما
۱۰ - مناسبتی در آغاز زمستان - شهر «مجارستان» - گیاهی طبی
۱۱ - تیر پیکان‌دار - آپارتمان کوچک و مجهز - شهر «برج کبوترخانه»
۱۲ - قهرمان جنگ تروا - برادر عرب - بارکش شهری - دریاچه «سوئد»
۱۳ - شرکتی داروساز - از میوه‌ها - یار «همایون»
۱۴ - ساکت - مخفی شدن به‌قصد شکار - تیم ایرانی
۱۵ - ترسو - فیلم حسین دوماری (۱۴۰۳)

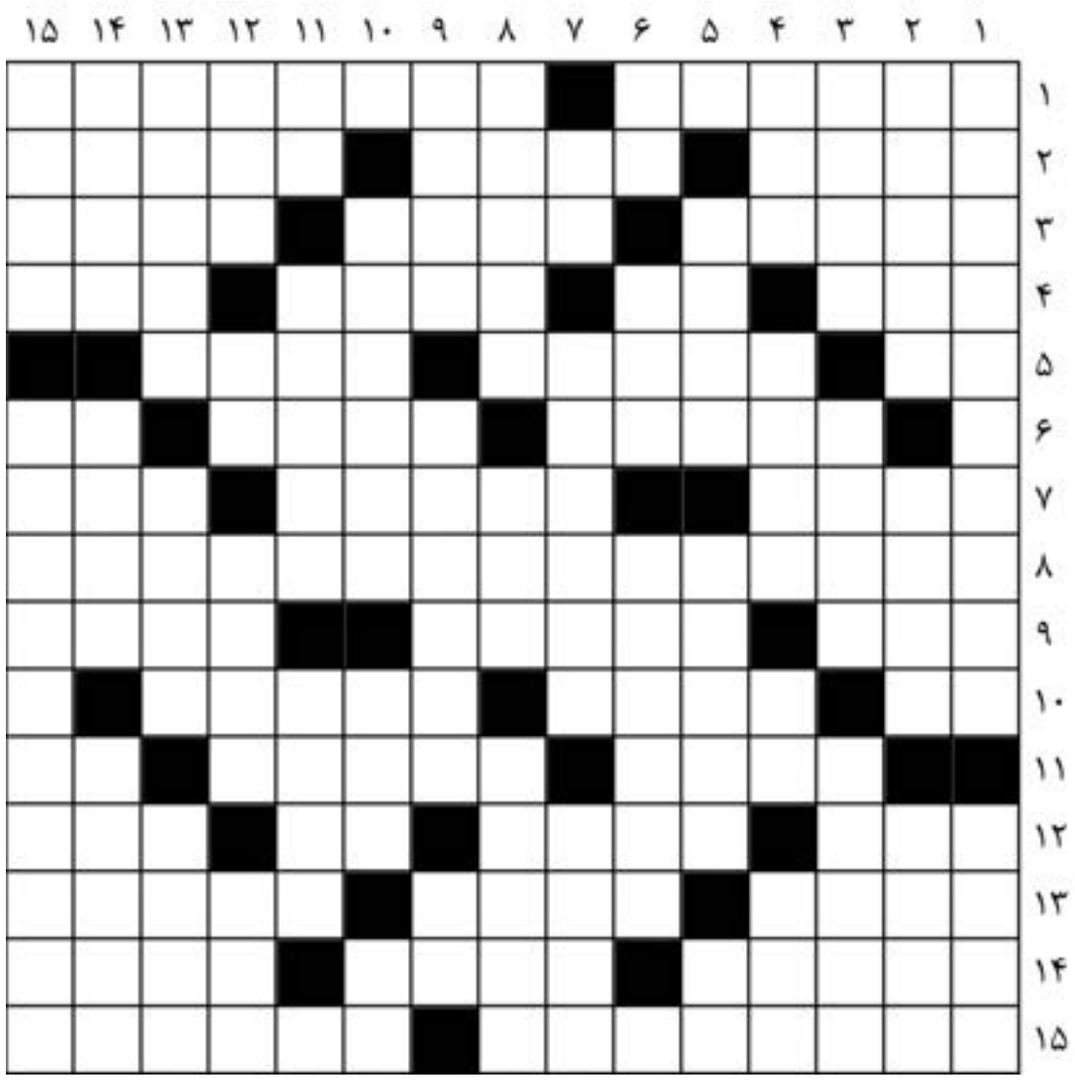

حل جدول عادی شماره ۹۱۳۳

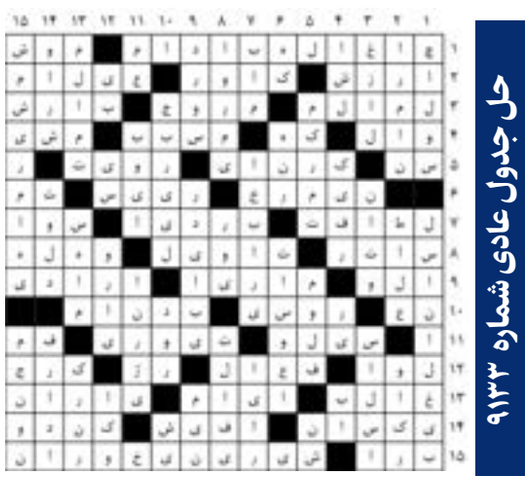
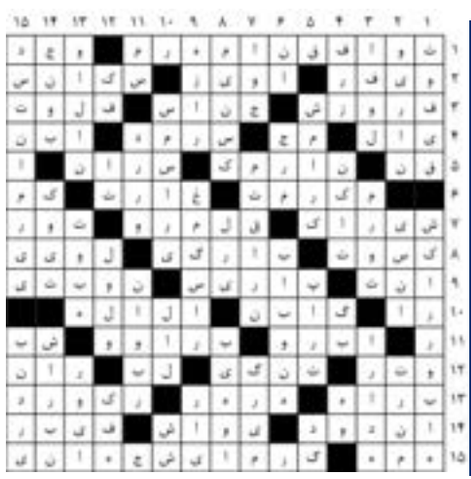
حل جدول ویژه شماره ۹۱۳۳